

انقلاب و آزادی

۱۰ ریبال - ۲۵ سنت

ارگان انجمن آزادی

شماره ۱ | ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰

از درون کارخانه

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

"انقلاب و آزادی" بمطالبت زیرچکیده در دلد های یک کارگر، از زبان خودش اوست. وی کارگر جوانی است که هفته ای چهل و چهار ساعت در یک کارخانه فلز کار می کند در اطراف تهران کار می کند.

بیشتر دادند، به یکی کمتر، دیروز و دیروز خت کردند. بعدا هم خواستند که رخنه را دوشیفته بکنند و چندتاسا کارگر دیگر هم استخدا م کنند. ما هم با مهندسی کارخانه دعوا مان شد. کارگران را برای اعتراض جمع کردیم و رفتیم با مهندس صحبت کردیم. اونوقت مهندس به او مدو گفت که: با ما این کارخانه مال خودتونه، این کارخانه نه به کارگره و به شما احتیاج داره. شما باید دوشیفته کنین که مشکلات حل بشه، ما هم اعتراض کردیم و چهار رده تا خواسته که یکسری اش در مورد مسائل ایمنی و یکمقدار رش هم صنفی بود را مطرح کردیم. که اینها را کما بیش بمذا دا دند. حق تولید موزا هم تا حدی گرفتیم. بعد مدیتر کارخانه جلومون میایسته و میگه: دیگه صحبت نکنین. من هم جلوی و نرو گرفتیم و گفتیم نمیزا ره ما صحبت کنیم. بعد گفتند که همه حق تولید را میدیم.

اول ماه مه، اینجاسته روز همبستگی انقلابی کارگران سراسر جهان، بدون شک آن وقت مناسباتی است که ما مسئله آغاهای نیونین را با کارگران و سایر نیروهای انقلابی در ایران به بحث بگذاریم. زیرا که از یکطرف جنبش طبقه کارگر و آوارگان جنگ، در دوام و ونیم خیریه اوج چشم گیری دست یافته، از طرف دیگر در دو سال گذشته انقلابی که توده های مردم ایران علیه شاه و میزبالم آمریکا و برای آزادی شروع کردند، یک سرفه قراشی را پیموده است. انقلابی که خون و امید هزاران تن ما بهیای آن ریخته شد، از اهداف اصلی خود برگشته و تحت ضرایب ضد انقلابی "مهوری اسلامی" مناسباتی عمدتا وارونه مستقر گردید. هدف ها چون برقراری شرایط نیونین کاروبایان استعمار، از دی نسان، خودمختاری برای اقلیت های ملی، آزادی بیابا و مطبوعات

تشکلات صنفی و سیاسی، و حتی شعایر برضین آزادی نندانی بیای همه به عنوان خواست های تجام نیافته باقی مانده اند. بحران شدید اقتصادی (بیکاری، قحطی و گران شدن) و آوارگی و سیی خا نما نیز ابده از جنگ، و تاج و زارتن عراق دست بدست هم داده و عرصه زندگی را برا کثرت زحمتکشان ایران تنگ نموده است. در چنین شرایطی اینکاملا برحق و ضروری است که نیروهای آزادیخواه و توده ها که خود با راضی میا رزه را بدوش کشیدند با ردیگر برخاسته و خواهان تداوم انقلاب گردند. چونکه علیرغم اختلاف شدید میان دو جناح حاکم، چه خمینی و چه روحانی، گروه "لیبرالها"، هر دو تا عملا در مقابل انقلاب و مردم ایستاده و جزا نحراف در میا رزه، فریب و سرکوبی نیروهای انقلابی میسند. دستاوردی ننداشته اند. اگر با زرگان و "لیبرالها" در همان اولین روزهای

یکبار از شکالات عمده ای که توی کارخانه وجود داره در ارجع به "بندج" است. تا بع بود که دولت میخواد این بند را حذف کند. اگر اینطور میشه، ما نمیزا ریم ما حب کارخانه ای که خودمون بپرویش کردیم و مرتبه بر مسئله دیگه در مورد حق تولید. قرار بوده به میزانی که تولید با لامیره، میفنگد. اما نه کارگران میکنند، اما نه تولیدی که انجام میدهند، یعنی براساس سرعته کار با لامیره، یک حرفی از این بابت به کارگر برسه. اما این حق تولید را نمیخواستند به ما بدهند. بعدش هم خواستند بدهند، درست تقسیم نشد، به یکی

گسترش مبارزه در ایرلند شمالی

سیاسی شناخته شوند، دولت انگلستان در سال ۱۹۷۲ با وضع قوانین ویژه اضطرابی اقدام به اجا دوسیستم قضا کرد. یکی از این دوسیستم برای ما که میزبانی سیاسی بوجود آمد، که مطابق آن حقوق اولیه ایشان مانند ما که به وسیله هیئت منصفه لغاء شده است. در آوریل ۱۹۸۱ مردم ایرلند (که تونیکها) با بیسندن را به عنوان نماینده مجلس انتخاب کرده و با این حرکت سمبلیک، پشتیبانی خود را از او اعلام نمودند. دولت انگلستان با رفتار ریاکارانه خود با زندانیان سیاسی، قصد دارد آنها را بقیه در صفحه آخر

مصاحبه با یک زن انقلابی

بسیار زها مثل است، حتی بیشتر از مردان. بطور مثال خانم فرشته شمشی در مورد این "حقوق برتر" میگوید: اسلام حتی این حق را بر زن میدهد که بتو به شیرکودک خود را به شوهرش بفروشد. اما راجع به لایحه قصابی این لایحه ضد انسانی ترین لایحه ای است که میتواند در کشور تصویب شده و به مورد اجرا در آید. این لایحه بخصم زن را رسما بنیای بملک شوهر، پسردی برادر خود در میا و ردهی چو حق را برای آنها قائل نیست، ولی خوشبختانه قبل از اینکه این لایحه تصویب گردد، اعلامیه ها و اطلاعیه های زیبا دیدارین رابطه چاب و تکثیر گردیده و افکار عمومی را نسبت به آن آگاه نموده است. به همین جهت تا به امروز جرات در دستور کار قرار دادن آن را نداشتند. س (۲) - همینطور که میدانیم جلوت جنگ بیسن دلتیهای ایران و عراق و بحرانهای اقتصادی ناشی از آن بسیاری از موارد صریح و غذا شکی با شده اند و لذا مردم بویژه زنان مجبورند که ما عتها وقت خود را در صفوف خربند ما یحنا چا ولیه بگذارند.

در این شماره:

- از کجا آغاز کنیم؟
- کردستان از زبان یک کرد
- زنان بمتابه شعور و نیروی انقلاب
- ژاد روز مارکس

صفحه: ۵
۳
۲
۷



زنان به تابه شعور و نیروی انقلاب

زنان جهان در مبارزه

ما عده ای از زنان ایران هستیم که با سرمایه داری رنج می بردیم و در این کشور (ما) متأسفانه آمریکا و اروپا (غربی) وجه در ترویج و ترویج (ما) متأسفانه روسیه، کشورها یا روسیه شرقی یا چین) ما رز می کنیم و معتقدیم که در زمان ما را کسب حقیقی نمی بینیم را بعنوان جزئی ما می بینیم و در وقتیمینیم حقیقی انقلابی ترین بی خود را در ما رکنیم می بینیم. متوق ما در تشکیل انجمن آزادین که در سال گذشته بطور مستقل شروع به فعالیت کرد جنبش زنان ایران بود. جنبش ما تنها به برافزاندن نظام مستمرگشا می اکتفا نکرد بلکه به اصلاح نظامها و اصلاحات در آن (۱۷ سفند ۱۳۵۷) با لایحه های زن در پیشا پیش ما رزات تا بر توده ها به ضد انقلابی که از درون انقلاب متولد شد عتراض کرده، خواستار روابط نوین انسان می گردید هدف ما آن نبوده که بسودن عهده را برودن نقش "حزب" یا "پیشا هنگ" جنبشهای زنان ایران را بدمد فلسفه انقلابی که به برافزاندن نظام مکتبها اکتفا نکرده و در صدد خلق روابط نوین انسان است با ریدیم. آزادنگه روابط آزاد خود بیگانه نه جا معه کنونی از ضد کار عملی و فکری در نقطه تولید سرچشمه گرفته، رسیدن به جا معه نوین انسان است تنها با براندازی این سیستم با شرکت و رهبری کارگران زن و مردانجا مذهبیا سته اینک امیدواریم با انتشار این ارگان جدید که مبارزان زن را یکی از ارگانها اساسی ما رز برای انقلاب سوسیالیستی تلقی میکنند و به تبعیض جنسی نه فقط در درون روابط سرمایه داری بلکه در درون سیستمی از زمانهای پیش معترض است و نیز قائل شدن یک صفحه دائمی برای انعکاس کردن

جنبشها یزنان، روابط نوین برپا می بینیم. انقلابی بین جنبشها یزنان ایران و زنان سا برنقاط جهان برقرار می بینیم. رزوا بطی که بر تاسی ما متکی خواهد بود. ما با معرفی خود بعنوان ما رکنیم. فمینیست ضمنا خود را از دو گروه متمایز می بینیم. ۱- فمینیستهای یوروژوا که واقف نیستند از دیوتاشی و کامل زن و مرد تنها در صورت سرنگونی سیستم سرمایه داری امکان پذیر است. ۲- برخی گروهها می گویند که ما رزات زنان برای بدست آوردن آزادیها ی دموکراتیک برچسب دموکراتیک زده، لزوم کمیته ها مستقل زنان را نپذیرفته و ما رز برای رفع تبعیض جنسی را به بعد از انقلاب سوسیالیستی موکول میکنند. ما به تاسف نخواهیم که ما به تاسف اقدامات فداکاری دولت خمینی نبوده بلکه این واقعت می باشد که هر چه جنگال جمهوری سلاوی بگردن حکومتها یزنانی بیشتر فرشته شده، به ما نسبت گروهها یچیفا صله خود را با این نهضت بیشتر کرده اند بطوریکه، با وجود اینکه از هر ات ۱۷ سفند ۱۳۵۷ با پشتیبانی کم و بیش سوسیالیستها یزنان رو بر سر شد، اما کنگره زن را ندر آن ۱۳۵۸، با بسی عتراضی و حتی ترتیب را هیما می در همان زمان توسط فداکاران ما چه شد، و با لایحه تظاهرات تیر ماه ۱۳۵۹ بر علیه حجاب اجباری حملات "یوروژوا" و "فدا انقلابی" از درون چپ رو بر سر شد. جنبشها چیزی جز بیگانه شدن زنان و راندن آنها از ارگانهای چپ در بر سر نخواهد داشت. برعکس ما

می بینیم که با حمایت از این جنبشها دنیا اکتیک را برای عصر خود با زیا زکی کنیم و به نیفت آزادین به همان چشمی بنگریم که لنین به ما رزات اقلیتی ملی برای خود مختاری می بینیم. یعنی: همان گونه که هیچ ملت را از دناخواهد بود تا وقتی که ملیتی دیگر را تحت ستا قرار ندهد، هیچ نسانی تا زمانی که انسان دیگری را استیما نمی کند آزاد نخواهد بود. با پشتیبانی از حقوق دموکراتیک زنان و ترویج آنها ما تنها مسئله ای که ما را از سایر مسائل جدا می کند، این است که ما به هدف جامعه نوین انسان نی زدیتر نخواهیم شد. اما نظور که ما رکن در ۱۸۴۴ در دست نوشته های فلسفی اقلیتا دی معروف به نوشته های هومنستی چون نوشت: راز رابطه انسان با انسان، با رزها را بگونه ای صریح، قاطع، با زوا شکار در رابطه مرد با زن می بیند. سعبارتی دیگر تنها کافی است به روابط زن و مرد نه و نفعی که از هم بیزارند بلکه دو نفر که همدیگر را دوست دارند نگاه کنیم تا بیگانه نگوییم و تضادهای موجود در اجتماع و بین انسانها را برای اولین در برابر ما رز و مرد بیاییم و نگاه در صدد بر آیم که یک با روبروی همیشه این جا معه از خود بیگانه نه که بر اساس روابط استیما ری و تضادها ی فکری و کار عملی بنا شده را و زکو سا زیم.

آمریکا در ۲۳ آوریل در حالی که ۲۰۰ زن در بیرون کنگره آمریکا مشغول تظاهرات بودند زن در دین کنگره با فریادهای "جلسه را تعطیل کنید، نه مذهب، نه دولت! خود را بسازید، تصمیم گیر زندگی با شما، جلسه را مختل سازید." این تظاهرات قسمتی از مبارزات زنان در سراسر آمریکا بر علیه لایحه جدیدی است که دیگر با رد تصدات حق زن را زبر پا گذاشته کنترل بدن او را بدست گیرد، بموجب این لایحه نطفه از لحظه با زوری، انسان محسوب میشود. در صورت تصویب این لایحه، کورتا حتی در موارد تجاوز و زبغت، آستنی نوجوانان، آستنی برای کاک یا شاد، چنین ناقص و یا هنگامی که زن به علل اقتصادی و رزوا نیفا در به کفشاری از کودک جدیدی نباشد، غیر قانونی اعلام میشود. در عین حال دولت جدید ریگ در صدد قطع بودجه کلیه بر تاسه ها است که بنحوی به زنان در مانده و کودکان آنها با ری میرساند. لازم به یاد آوری است که در ۱۹۷۳ در نتیجه مبارزات پر شور و سراسری زنان دادگاه عالی آمریکا حق کورتا را برای زن قانونی اعلام کرد.

ضروری میسازد در بسیاری موارد منجر به تجاوز و زبسه آنان توسط مردخانه شده و در نتیجه این زنان جوان و کودکانشان بی سرپرست رها میشوند. لذا مسئله آستنی، مهدکودک، وسایل جلوگیری از آستنی و اطلاع در باره حق سقط جنین همزمان با مبارزه برای شرایط بهتر زندگی و کار در رزها ستادگان آنها را قرار داد، چه آنجا شیکه مذهب نفوذ فراوانی در این مملکت دارد (۸۰٪) کا تولیک (از دستیا بی زنان به این اطلاعات مما نعت میشود.

روسیه - تا تیا نا ما ما نوا سردبیر مجله "زن روسیه" ارگان یزرن می بینیم زن روسیه - که اخیرا به اروپا رسید شده در اعلامیه ای از کلیه زنان جهان را خواستار کمک برای نیفت زن روسیه شده که در آنزوا یگا مثل از فعالیتها ی زنان سراسر جهان قرار گرفته اند. این مجله که از شرایط "قبا بخانه" بیمارستانها و سقط جنین، مهدکودکهای غیر بهداشتی و پر جمعیت آزاد روستم شهرها، میخواره؛ شرایط سنگین کار و حقوق بسیار کم که خانوادها به دوشواری با آن شکم خود را با سبب زمینونی نیسیر میکنند صحبت میگرد، منجر به دستگیری چندین زندانبخت تحریریه مجله و تبعید سایر آنان توسط دولت شد.

لیکن مجله که با بصورت یزرن زمینونی منتشر میشود. ما ما نوا در درخواست خود خواستار تشکیل یک نهضت جهانی تا نشانه شده که به مدد زنان روسیه و اروپا شرقی و نیز فمینیستهای سا برنقاط جهان بشتابند و نیز بشدت به آنها نیسیر صدندند مبارزات زن روسیه را "مذهبی" جلوه گرا زند اعتراف نمود. (ما امیدواریم در شمارها ی آتی ترجمه برخی از مقالات در باره زنان روسیه و کشورهای اروپای شرقی مخصوص لهستان را منتشر سازیم) - فیروزه

را اعلام کردند که اغلب در ارتباط با یک سازمان سیاسی بوده اند. در ۱۳۵۸ شورای همبستگی زنان متشکل از ما زها نیسیر و مترقی زنان اعلام موجودی کرده و اولین اکسیون خود را در اعتراض به قاننون اساسی و ایجاد دادگاههای خاص مدنی برگزار نمود. سپس دو مین اکسیون رز و یزها زن بود که با شکواییه برای برگزاردیدند اما با زهم بدلت عمده ندیدند مسئله زنان در همین سازمانها و اختلافات سیاسی و گروه گراشی، شورانوا نسبت یکا رخوادا مدددهودر نتیجه زهم تیده شد. اکنون فقط چندا زمان زنان در ایران موجود است که در این آنها همه در سطحی اعلامیه و چاپ نشریه خروبا نشریه هفتگی میسازند. یزرن سواحیه با سه آزاد

بقیه مصاحبه با ...

بیگانه ری در جا معه ما اکنون به ۵۰٪ رسیده در نتیجه دولت جمهوری سلاوی نیز ما نند هر دولت سرمایه داری دیگری خراج زنان را که به عنوان ارتش ذخیره کسار محسوب میشوند، وسیله ای برای حل این بحران قرار میدهند. و اما عکس العمل زنان در این مورد؟

زنان هم در پروسه تولیدی اجتماع می بودند و ندیگر بسختی میتوانند ایمن مساثل را قبول کنند. تا آنجا شیکه من عکس العمل زنان مختلف را دیده و با آنها صحبت کرده ام، از این مسئله سخت ناراحتند و برای حفظ کار خود فرزند به هر کاری دست بزنند. کما اینکه ما ضربه حجاب اجباری رو یوشدن اونفرم مخصوص در محل کار خود نیز شده اند و خیلی زتوینها را تحمل میکنند. از طرف دیگر خود این مساثل باعث آگاهیتان نسبت به حقوق حقه خود شده که نتیجه آن

مبارزه برای بدست آوردن این حقوق میسازد. (۴) - با قوا نین مختلف بر مبنای اصول اسلامی که جمهوری سلاوی تصویب نموده حتما زمینه ای برای برخورد های شونستی نسبت به زنان در محیط کارخانه با آداب وجود آمده است، این برخورد ها به چه صورت بروز میکنند؟ در محیط آدابها ای که من کار میگردم برخی زنان بدلت تحصیلات بیشتر، مشاغل بالاتری را عهده دار بودند. بعد از انقلاب در بسیاری موارد مسئله "جرا با یس" رئیس زن داشته باشیم؟ و مساثلی از این قبیل مطرح میشود. بخصوص بعد از فرمان حجاب اجباری رفتار مردان نسبت به زنان تغییر کرد. محسوس کرده و دیگر اینکه بخود این اجازت میدادند که به عنوان برادر و بیبا "نهی زنگر و" مرسیه معروف (در مورد ظاهر زنان اظهار نظر نمایند و به آنها بگویند که چطور با بدباشند. زنان کارگر نیز هم چنین با تصویب قوانین ارتجاسی جمهوری سلاوی روز سه روز

بیشتر سرکوب شده و از حقوق اولیه انسانی محروم میگردد (۵) - از آنجا که خودت با سازمانهای چپ در تماس هستی و اینکه اکثریاسن سازمانها مبارزات دموکراتیک زنان را جدا از مبارزه بر علیه استیما بر سر ما به (طبقا تی) می بینند و سعی در جدا کردن این دو رز از هم دارند، برخورد آنها با مسئله آزادین چیست؟ همچنین وضع ما زها یزنان چگونه میسازد؟ چه یکی از مساثلی که متاسفانه در جا معه ما کم پیدا شده میشود مسئله زنان است. عده ای مبارزات زنان را در این مرحله غیر ضروری دانسته و گرفتن حقوق مساوی و مساوات کامل را برای زنان موکول به انقلاب سوسیالیستی می بینند یا فلان اینکه اگر زنان برای حقوق خود مبارزه نکنند، انقلاب سوسیالیستی هیچ چیز را برای آنها رقت نخواهد آورد جز تاسا و موری. اما نظور که دیدیم در انقلاب اخیر ایران زنان بطور وسیع

شرکت داشتند ولی بعد از انقلاب کما کما مورد ستیم قرار گرفتند و متاسفانه چپ ایران نیز بسبب نداشتن دید درست نسبت به مسئله زنان چندان کمکی به ارتقا و رشد زنان نسبت به مساثل شخصی خود نکرده است. برخی زها یزها ی چپ اصولا مبارزات زنان را بورژواشی خوانده و از پشتیبانی تکران آن خودداری میکنند. بخشی دیگر خود، دید مذهبی نسبت به زنان داشته و تا بدست عدل از مساثلی که برای آنان پیش آمده است جانناز میکنند. اما سکوت میسازد فقط بخش کوچکی به ضرورت مبارزات مستقل زنان پی برده اند که متاسفانه حورتان در جا معه زیاد قابل لمس نیست. پس از انقلاب ما زها یزها یزنان زیا دی موجودیت خود

بیشتر سرکوب شده و از حقوق اولیه انسانی محروم میگردد (۵) - از آنجا که خودت با سازمانهای چپ در تماس هستی و اینکه اکثریاسن سازمانها مبارزات دموکراتیک زنان را جدا از مبارزه بر علیه استیما بر سر ما به (طبقا تی) می بینند و سعی در جدا کردن این دو رز از هم دارند، برخورد آنها با مسئله آزادین چیست؟ همچنین وضع ما زها یزنان چگونه میسازد؟ چه یکی از مساثلی که متاسفانه در جا معه ما کم پیدا شده میشود مسئله زنان است. عده ای مبارزات زنان را در این مرحله غیر ضروری دانسته و گرفتن حقوق مساوی و مساوات کامل را برای زنان موکول به انقلاب سوسیالیستی می بینند یا فلان اینکه اگر زنان برای حقوق خود مبارزه نکنند، انقلاب سوسیالیستی هیچ چیز را برای آنها رقت نخواهد آورد جز تاسا و موری. اما نظور که دیدیم در انقلاب اخیر ایران زنان بطور وسیع

کردستان: از زبان یک رفیق کرد

"انقلاب و آزادی": هیچ صدا فی با زگوکننده سترو آتشین ترا ز صدای انسانهایی که درگیر مبارزه علیه شرایط ستمگرانه ای هستند که خود مستقیماً از آن رنج میبرند نیست. کلام خود کرد رسا ترین بیان تفکر و عمل انقلابی بوده های کردستان است. مطلب زیر متن گفتگو با یک رفیق کرد است که عیناً نقل میشود.



به نظر شما وظایف کنونی کردستان و موقعیت مردم کرد چگونه است؟
 - امروز تنفر مردم کردستان نسبت به رژیم بیشتر شده و توده های کرد جریانات طرد نموده اند. سرکوب کردستان کمکان در دستور کار دولت جمهوری اسلامی است. رژیم علیرغم اینکه در حرف دم زلمطوح و اعزاز هیئت نما یندگی میزند در عمل حملات وحشیانه خویش را گسترش میدهد. همین چند هفته پیش درگیری بسیار شدیدی بین ارتش و پسا سدا را با پیغمبران کرد در دهکده اوسوگندوا و قدر پنهانی کیلومتری شمال مهاباد در گرفت. در آن بین درگیری تلفات سنگینی به نیروهای دشمن وارد شد. حتی جنگ ایران و عراق نیز تغییر در سیاست سرکوبگرانه رژیم نداده. از سیاست جنگ رژیم حتی نیروهای مجهز تر و پیشرفته تر به کردستان فرستاد. درست همان روزی که نیروهای نظامی عراق آبادان را بمباران کردند، رژیم ایران نیز مهاباد را بمباران نمود. ارتش جمهوری اسلامی در حالیکه استفاد از مهمات را در جنگ ایران و عراق جیره نروری کرده بود در دقیقه سیزده خمپاره به طرف شهر مهاباد انداخت.

به آجا جنگ ایران و عراق آثری بر خواستهای نیروهای انقلابی کردستان نگذاشته است؟

بدین معنی است که "خود مختاری برای کردستان را نمیتوان از دموکراسی برای ایران جدا کرد و نمیتوان گفت در یک قسمت از ایران خود مختاری بوجود آید و سایر نقاط در فغان بسر ببرند، البته اگر مسئله در حد یک شعار مجردی قیما ند و حصول آن فعالیت پیگیرانجام نگردد، باعث به انحراف کشیده شدن مبارزه میگردد. به عبارت دیگر بدون همکاری عملی تمام قلیقه های ایران، مبارزه کردستان محدود مانده و باعث بروز استقامت تجزیه طلبانه میگردد، اما کردستان برای شروع مبارزه خود نمیتواند منتظر سایر نقاط ایران بماند. آنجا که شرایط مساعد است مردم مبارزه خویش را شروع میکنند. این وظیفه سازمانهای انقلابی است که خواستهای این مبارزات را تبلیغ و ترویج کنند. برای مثال وقتی قلیان اکثریت میگفتند که اگر مبارزه در کردستان تشدید شود باعث تضعیف دولت مرکزی شده و منجر به روی کار آوردن یک دولت ملیتاریستی توسط آمریکا میگردد. پس فعلاً مبارزه خاموش، مردم کردستان در جواب گفتند: حتی اگر خود آمریکا هم سرکوب را بدست از خود ستی خود برنمیداریم.

س- اگر شرایط اعلام جمهوری خود مختار در کردستان وجود داشته باشد ولسی در سایر نقاط ایران دولت سرکوبگر کنونی در اقتدار باشد آیا سیاست جمهوری ای که سپس مبارزه برای آزادی سر ایران را هدف قرار دهد موافقی؟

ج- البته که موافقم، آنجا که نیا بدین سر میزنند، مشکل این میماند که بگوئیم چون در منطقه خا ورمیا نه کشورها تحت یوغ امپریالیسم آمریکا هستند، ایران میرکنند تا در نقاط دیگر شرایط برای انقلاب آماده است یا بدین نام شود سپس گسترش پیدا کند.

س- نظر تو در مورد یکپارگی کردهای منطقه چیست؟

ج- اگر تو یک انترناسیونالیست نیستی باشی نباید چنین سوالی را بکنی، چون جواب واضح است. اصولاً مرزهای جغرافیائی را چه کسانی تعیین کرده اند؟ پس مسئله روشن است. آنچه امروز با بدین پیش مبارزه نمود کسب خود مختاری در هر یک از کشورهای منطقه است. از خود مختاری در هر کشور تا انقلاب در هر کشور تا انقلاب در منطقه کردستان و ا.خ.د.

اما فراموش نشود که مبارزه کنونی برای کسب خود مختاری در کردستان برای توجیه شدن نرا خود مردم کردستان با یکدیگر آزادانه تعیین کنند. خود

نداشته و مسئله سنی و شیعه مطرح نیست.

س- از جمهوری مهاباد صحبت کردی، ممکن است درباره آن توضیح بیشتری بدهی؟

ج- جمهوری مهاباد (۱۹۴۶) آتش تا حد زیادی به شوروی بود و همین امر موجب شکست آن شد. جنگهای دهه ۵۰ و ۶۰ در کردستان عراق با رژیم بعث که با شکست روبرو شد، نشان داد که هر دولتی که از کردستان دفاع کرده، بدنبال منافع خودش بوده است. ملت کرد به این نتیجه رسیده که با بدین یوغ خود را باست. با نزد مسال پیش زمانی که در کردستان با وضعیت مردم میباشتم، همه میگفتند ملت کرد با یک نیروی خارجی کمک بگیرد نمیتواند روی پای خودش باست. امروز آنجا که اینها میگویند از زمره راجا قیو س- بخود متکی بودن و قطع امید کردن از دولتها، پسا انترناسیونالیسم در چه رابطه ای قرار میگیرد؟

ج- این بدان معنی است که مردم کرد در ضمن اینکه خواهستهای خود را در نظر میگیرند. خواهستهای راجا قیو و امپریالیسم هستند. برای نمونه در سال ۱۹۷۵ این انترناسیونالیسم

مختاری در چارچوب ایران را نمیتوان با زور به کسی قبولاند. تصمیم گیری در شرایط اسارت، یک تصمیم گیری کذاب است.

س- مبارزه برای خود مختاری را با مبارزه برای آزادی در چه رابطه ای میبینی؟

ج- خود مختاری یعنی حاکمیت بر سر نوشت خویش و مبارزه برای حق تعیین سرنوشت همان مبارزه برای آزادیست. مطبوعات آزاد، انتخابات آزاد، مجلس موسسان آزاد، آزادی عقاید، انتخابت آزاد، مجلس خود، اینها همه بخشی از آزادی و در خدمت آزادی هستند.

س- به نظر میرسد که بروی مسئله دهکده ای در کردستان به انداز کافی تکیه نشده است. به نظر تو موقعیت دهکده انان چگونه است؟

ج- دهکده انان نیروی عظیمی را در کردستان تشکیل میدهد (حدود ۷۰-۸۵ درصد) فشار ارتش در صورت نسبتاً پیشتر از شهرها بوده و شور انقلابی روستاها از شهرها بیشتر بوده. دهکده انان بیش از هر چیز برای زمین مبارزه میکنند. امیدا انقلاب فردا و کسب خود مختاری در کردستان باعث میشود که دهکده انان بروی خواستهای خودشان بیشتر تکیه کنند. زیرا فاصله بعد از سرنگونی رژیم شاه دهکده انان دست به مصاف در زمین لکان زندان در بسایر نقاط از جمله اورمانات شوراها و دهکده های مختلف دارند. رژیم مردمی برای بله با دهکده انان اقدام به مسلح کردن ما لکن نمود. نیروهای انقلابی برای این امر واقفند که مبارزه برای آزادی مختاری از مبارزه طبقاتی جدا نیست. س- تجربه تاریخی مهاباد مبارزه علیه ستم ملی خود، آگاهی ملی مردم کرد را بارور نموده است. آیا به نظر تو ضمیمون این شعور ملی بحد کافی در ایران روشن گشته است؟

ج- مقدماً بگویم که سازمانهای انقلابی ایران، ناسیونالیسم کرد را درک نمیکنند. ناسیونالیسم کرد، پانایرا نیم نیست که بخواد همه را زیر پرچم خود بیاورد و حقیقاً دیگران را انکار نکند. ناسیونالیسم کرد از یک موضع انقلابی بر میخیزد چرا که ملت کرد همواره تحت فشار و سرکوب دولت مرکزی بوده اند. ناسیونالیسم و اقلیتها، انترناسیونالیسم نیز هست. اقلیتها یکی که در کردستان هستند نشان میدهند این دعا بوده اند. جمهوی مهاباد دو عملکردی از ما هاداش نشان دهنده این امر است. در آن زمان مناطق ترک نشین و ۲۵۰ خانسوار کلیسایی هرکدام مدارس خود را داشتند. امروزه ناسیونالیسم اقلیتها یکی که در کردستان زندگی میکنند از آزادی نمیبینند. برخلاف این دروغ جنبش کردستان جنبه مذهبی

خود را در پیوند با مردم فلسطین نشان داد. تاریخشان داده که ملت کرد زبیر با رستم نرفته و انترناسیونالیسم هم هست. همه نظرها قبلاً هم گفتند خود مختاری در کردستان جدا از آزادی است. ایران با عراق ترکیه نیست. اینرا مردم کردستان بخوبی احساس میکنند. مردمی که مهاباد زیر ستم بوده اند، از ستم و ستمگری نفرت دارند و تمیخواهند مردم دیگر را در چنین شرایطی ببینند. مردم کردستان همواره سعی کرده اند تا آزادی خواهان خود را تا حد امکان در سراندر دنیا منعکس کنند. مردم کردستان هم سر نوشتی خود را با تمامی مردم ستم دیده جهان بخوبی درک میکنند. البته که سازمانهای انقلابی کرد تا کنون فعالیت چشمگیری در عرصه بین المللی نداشته اند. اینجا در رابطه بین المللی یکی از ضروریات جنبش انقلابی کردستان است. در همین رابطه، سازمانهای انقلابی کشورهای دیگر آنها اقلیت کرد وجود دارد نیز کمکاری کرده اند. این رابطه در دوران ایران تا حدودی موجود بود ولی در سطح جهانی هنوز کار زیادی انجام نشده است.

گزارش یک شاهد عینی از:

تظاهرات ۸ اردیبهشت تهران

اعلام کردند ۲ نفر، حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر هم زخمی شدند. اوائل حزب الهیها آمده بودند ولی وقتی تظاهرات را از خیابان بهار به جلوی خانه نظارت کشیده شد کمیته چپها هم آمدند و نجاش دوباره درگیر شد. تیسر هوا شوگا از شک آور شد و مردم لاسیک آتش زدند. جماعتی و سنگ و چاقو و همه چیز چریان بود. ارتش هرات روی رژیم زبا دود و به لگنت زسان افتادند. مده بود و میگفت "من محمدرضا کنی هستم، محمدرضا پهلوی که نیستم، ما دولت قانونی هستیم... بنی صدر هم صدای دریا مده، منتی شب قبل روزنامه نوشته بود که این کارها به صلاح مردم نیست." انقلاب اسلامی! "مجا هدین دعا می کند بصورتی که حمله کردند و مجاهدین مقابله کردند" و اصولاً بنفع مجاهدین خبر میدهد. مجاهدین یک فوق العاده اند که اندک ما تا کنون با نظماً نوسی احساسات مردم را کنترل می کردیم، ولی گریبا این اعمال شما قادر نیستیم مردم نمیدوند که آیا درد ما هدین در خود تیا هم هست یا نه؟ تویا ده مردم میگفتند: بگذار اینها هم حرف خودشان بزنند. یک همچنین بحثی بود بین مردم

صبح روز سه شنبه در مدرسه بچه های مجاهدین با شکی گفتند که بعد از ظهر هرات است. طرفهای ظهراً اعلامیه پخش کردند و ساعت ۳ بعد از ظهر هم تظاهرات انجام شد. بعضیها میگویند ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر شرکت کردند. ولی شاید از بی بی سی مسعود ۱۰۰ هزار نفر بودند. موضوع تظاهرات کشته شدن مجاهدین دور میزد و خیلی سختی رستی بودند. "مجا هد" از دبا بد، "مجا هد" کشته نیا پد کرد. اکارگر و زحمتکش مجاهدی توست. دستگیر مجاهدین در آمریکا... فقط یکی دو تا شعار را می بود مثل "حزب جماعتی بدستان، ما با بدبرود گورستان"، و "ولجنا سفارت آمریکا هم که شعار "زند با د" آزادی، مرگ بر آمریکا" داده شد. تظاهرات خوب سازماندهی شده بود. حدود ۳۰۰ هزار نفر هم زن بودند. بیشتر زنان جوانان بودند. تظاهرات را در اصل ما دران هوادار مجاهدین دعوت کرده بودند. مرها بصورت زنجیر دور تا نرا حلقه کرده بودند. زنها برای خواستهای خودشان نیا مده بودند و هیچ شعاری هم در این مسعود نبود. در این تظاهرات تا ۴ نفر کشته شدند. ولی روزنامه ها

حرفها و نظرات شما

با اصل نویسنده را در ادبیا انقلابی بکار میبریم، اصلی که بر محور بیباکی و شجاعت بر زبان خود نبروها و انگیزه های انقلابی تکبیه دارد. بدون شک هیچ نویسنده ای نمیتواند ادبیا احساس و روشنی خاص یک نیروی انقلابی صحبت کند. توده ها با درج افکار و تمنیات خود در آنها عملاً در جهت رفع تضادها بین کار فکری و اقدام عملی میباید رند، بلکه در عین حال با دیدن نظرات خود و مقایسه آن با نظرات دیگر مبرزین به نواقص موجود در افکارشان نیز پی میبرند. نظرات شما در این نشریه به هیچ وجه سانسور نمیشود. ولی با توجه به محدود بودن صفحات آن، حرفها و نظرات خود را بشکل مختصر برای ما ارسال دارید، در غیر این صورت بهنگام درج آنها، مجبوریم که خلاصه و یا چکیده ای از حرفها و شما را به چاپ رسانیم.

نظرات و حرفهای خود را به "انقلاب و آزادی" بفرستید و یا از راه دیگری نویسنده گان این رگا حتی از پنج هزار همسر یا ززند

— پیمان

مستحکم با خوانندگان شرط لازم برای ادامه حیات آن است. بهمان گونه که از فرم و محتوای مطالب مندرجه در این شماره پیدا است، ما سعی بر آن داریم که بهر دوایک مدای شما نیروهای انقلابی در حد توانا شی خود کوشا بوده و زمینه را فراهم سازیم که دیگر حجتکشان عملگردها و صدای همزمان خود را در صفحات این نشریه بیابند.

بنا بر این نه تنها حرفها و نظرات شما در مقالات "انقلاب و آزادی" سرنوشت ساز است، بلکه این نظرات چه در صفحات مخصوص نیروهای مشخص انقلابی و چه در بخشهایی که منحصراً به نقل مستقیم نظرات خوانندگان اختصاص داده شده است، به چاپ میرسد.

با انتشار این نشریه ما در عین حال برای اولین

نیز منتفی است. به عبارت دیگر مطالب و مقالات "انقلاب و آزادی" چه مستقیم و چه غیر مستقیم با پدیدار شدن شما نقل شده و بدست شما تهیه گردد.

نکته مهم دیگر اینکه بهترین میزان جهت سنجش صحت و درستی نظرات و تئوریهای مطرحه همانا خود توده های انقلابی هستند که در طول تاریخ معاصر طعم تلخ استیصال شما بهر تحت اشکبالات مختلف چشیده و همسواره بمثابه دیگران لترین قشار جامعه عرض اندام کرده اند.

تصحیح اشکبالات تکنیکی، بنا بر اینها موجود در مقالات، با زمان ندهی هر چه بهتر فرم و از همه مهمتر با لایق نظارت و قسوام آنها مهمی است که بدون ارتباط و پیگیری شما با ما نمیگردد. از این روایچه رابطه ای ارگانیک و

واقعی و مشخص ز شرا بیسط جا معه، کشف نیروها یا نقل و آگای هیات تمنیات و خواسته های آیتان قادر نیست به حیات خود ادامه دهد. لذا ما زنده ماندن این ارگان را منوط به تماس ناگسستن با کارگران، زنان، قلبین ملی و جوانان انقلابی میدانیم. و این امر را بعنوان یک امر "تکنیکی" تلقی نمیکنیم، بل اصول عملی ما همانا حرکت پیوسته در کنار نیروهای انقلاب و آفریدن تئوریهای درون چپا رچوبه ذهنیات خود بلکه از درون عملکردهای انقلابی حجتکشان و ستم دیدگان است.

توده های انقلابی بمثابه قلب این ارگان محسوب میشوند. بدون پیگیری شما در تهیه و سازماندهی نشریه که در حقیقت از آن شماست، ضرورت تهیه آن

"یک ارگان و وقتی زنده خواهد بود و قاً بلبیت زندگی کردن را خواهد داشت که برای پنجدهمیر روزنا منگاری سیاسی که مرتباً به قلمزدن میپردازد با نمادها پنج هزار همکسار بوجود آید که بیچ وجه نویسنده نباشند." (لنین) هما نظوری که مشاهده مینماید این اولین شما ره "انقلاب و آزادی" است که بدست شما میرسد، ممکن است بنظر آید که از فزودن یک نشریه دیگر به شما رضای نشریات انقلابی موجود در کشور را روی دردا انقلاب سرکوب شده ما و معضلات کنونی را نوجیان نیست. نفی نظرفوق زمانی تحقیق میباید که ارگان نویسنده محتوی و فرم نویسنده را در خود به تبلور رساند، با پس رویپا و درجا زدن در اساس و داغفته و همبای نکات هرروزه جنبش به پیش رود. البته این امر بدین معنی نیست که تهیه کنندگان "انقلاب و آزادی" زتانی مسائل جنبش آگای هیات مل داشته و نسخه ای آاده شده منظور حل کلیه مشکلات و به پیش راندن انقلاب تهیه دیده اند. نه، اما برآنیم که این ارگان بسدون درک

زنان بمشابه شعور و نیروی انقلابی

رایا د و نایوشکایا

دو انقلاب روسیه

ویکتار دیگر

درباره تئوری انقلاب مداوم

نشریات انجمن آزادی

- ۱ - ایران، انکشاف و ...
- ۲ - دو انقلاب روسیه ...
- ۳ - زنان بمشابه شعور ...
- ۴ - "آزادی کار" (دفتر مقالات)

جهت دریافت این جزوات مبلغ ۱۰۰ ریال (۲ دلار) به آدرس پستی ما ارسال نمایید.

ایران:

انکشاف و تضادهای انقلاب

اعتصاب کارگران معدن آمریکا

آمریکا - هزاران کارگر شگمین معدن زغال سنگ آمریکا قرار داد جدید ما بین اتحادیه و ما حبان معدن را در را گیری خیر خود قاطعانه رد کرده و رهبر خود، سام چرچر متهم به خیانت به اتحادیه نمودند. کارگران معدن با علم به اینکه در قرار داد اعتصاب طولانی مدت را بدنیا نخواهد داشت به این عمل دست زده و با رد دیگر مخالفت خود را با هرگونه سازشکاری در مورد اصول اتحادیه ای نشان دادند.

قرار داد جدید عملاً ما حبان صنایع معدنی را از میدان کت (مواضع) دن را برای مدت دو سال تعطیل نموده و سپس با استفاده مکارگران خارج از اتحادیه به استخراج زغال سنگ ادامه دهند و شایناً آنها را به استفاده از زغال سنگ استخراج شده در معدن غیر اتحادیه ای قادر میساخت.

یکی از کارگران معدن میگفت: "سام چرچر توافق کرده که زغال سنگ معدن غیر اتحادیه ای بر تولید زغال

خواننده عزیز:

جهت ازین بردن تقسیم کار فکری و یسری سرمایه داری، مطالب، نظرات و گزارشات خود را برای ما بفرستید.

چنانچه این نشریه را انعکاسی از تمنیات انقلابی خویش مینماید، در بخش آن ما را یاری کنید.

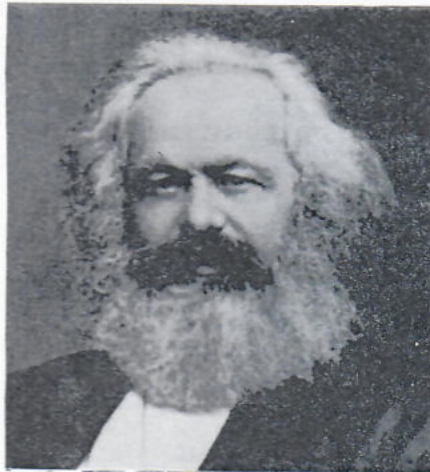
— کمکهای مالی خود را به آدرس ما ارسال کنید.

آدرس پستی ما:

E&A
P.O. BOX 07170A
Detroit, Mich. 48207, USA

گزیده‌ای از خاطرات پل لافارگ

بمناسبت ۵۵ مه زادروز مارکس



برای اولین بار مارکس را در فوریه ۱۸۶۵ ملاقات کردم. انترناسیونال اول در ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ در میتینگی در سالن سن مارتین لندن افتتاح شده بود. من از پاریس به آنجا رفته بودم تا اخبار سازمان جوان آنجا را به مارکس برسانم. . . . تائیری را که این اولین ملاقات درمن گذاشت، تا زمانی که زنده‌ام از یاد نخواهم بپریم. مارکس در آن موقع ناخوش بود و مشغول کار روی کتاب "سرمایه" که تا دو سال بعد منتشر نشد. بیم آن داشت که قادر به اتمام کارش نباشد و از اینرو ملاقات افراد جوان خود - شنود میشد. او میگفت: "من باید افرادی را تعلیم دهم که پس از من، تبلیغات کمونیستی را ادامه دهند". مارکس یکی از نادرترین انسانهایی بود که در عین حال هم در علم و هم در زندگی عمومی نقش رهبری کننده ایفا می‌نمایند. این دو جنبه آنقدر در او یگانگی یافته بودند که آدم فقط با در نظر گرفتن او، هم بعنوان یک عالم و هم بعنوان یک مبارز سوسیالیست، قادر به درک اوست. . . .

همینگی او بود. آنها از بزگی همدیگر را میشناختند و همای یکدیگر بزرگ شده بودند. . . . این جفت جوان پس از هفت سال انتظار بالاخره در ۱۸۴۳ ازدواج کرده و از آن پس هرگز از یکدیگر جدا نشدند. . . . مارکس آنچنان احترازی برای فکر هوشمند و نقادانه همسرش قائل بود که تمام دستنویسهایش را به او نشان میداد و برای نظرات او ارزش بسیار قائل بود. . . .

انگس هم عضوی از خانواده مارکس بود. دختر سران مارکس او را پدر دوم میخواندند. او بشابه من دیگر مارکس بود. برای مدتی طولانی نام آندو در آلمان هرگز جدا نبود و برای همیشه در تاریخ متحد خواهد ماند. مارکس و انگس جسم انسانی رفیقی ایده‌آل که شمع‌های عهد باستان ترسیم کرده، بودند. . . . مارکس به نقطه نظرات انگس از هرکس دیگری بیشتر ارجحی نهاده، چراکه مارکس او را بعنوان همکار خود ارزیابی میکرد. در نظر او انگس بمنزله تمام مخاطبین بود. هیچ کوششی برای مارکس بزرگتر از متقاعد کردن انگس و بتوافق کشاندن او نسبت به عقایدش نبود. مثلا بارها شاهد بودم که مارکس کار را چندین محله را جهت یافتن مدارکی که او بخاطر عوض کردن یک نظر انگس در مورد مسئله‌ای فرعی بدان نیاز داشت، میخواند. . . . مارکس همانطور که پدر و شوهری عاشق بود، دوستی خوب نیز بود. . . .

اقتصاد سیاسی - بلکه همچنین در تاریخ، فلسفه و ادبیات تمام کشورها. مارکس به کار کردن اشتیاق بسیار داشت و آنقدر بر آن گم میشد که اغلب غذا را فراموش میکرد. . . . او همه بدنش را وقف مفرزش کرده بود. . . . ورزشی که معمولا انجام میداد قدم زدن بود. . . . مغز مارکس مسلح به ذخیره غیر قابل باوری از وقایع تاریخ، علوم طبیعی و تئوریهای فلسفی بود. . . . آدمی توانست در هر زمان در مورد هر موضوعی از او سوال کند و جامعترین پاسخ را دریافت نماید، پاسخی که همواره با بازتابهایی فلسفی از موارد عام کاربرد آن توأم بود. . . . مارکس همواره در مورد کارش حد احتیاط را بخرج میداد. او هرگز سنده و مدارکی که توسط معتبرترین منابع عرضه نشده باشد را مورد استفاده قرار نمیداد. . . . در مورد نقطه نظرات علی هم بهمان اندازه محتاط بود. او نه تنها بنایش را بر روی امری که عمیقا از آن مطلع نباشد نیگذاشت، بلکه اجازه صحبت در مورد مسئله‌ای را تا موقعی که آنرا کاملا مورد مطالعه قرار نداده باشد، بخود نمیداد. . . .

مارکس که بعنوان یک رهبر یورژو سوادیکال آغاز بکار کرده بود، بعضی اینکه عقایدش شکل گرفت، از آن گریزان گردید. و بجز این سوسیالیست شد از طرف آنها - چشم یک دشمن نگریسته شد. پس از اینکه مورد تهمت و افترا قرار گرفت، مورد اذیت و آزار واقع شد و از خاک آلمان تبعید گردید، در مورد آتش هم توطئه سکوت برقرار شد. . . . هجدهم برور که ثابت میکند مارکس یگانه تاریخنگار سیاستمدار ۱۸۴۸ است که ماهیت واقعی علت و معلول کودتای ۲۳ سپتامبر ۱۸۵۱ را دریافته، کاملا نادیده گرفته شد. . . .

فقر فلسفه پاسخی به فلسفه فقر و سپهی بر نقد اقتصاد سیاسی هم بهمان صورت با سکوت برقرار شدند. انترناسیونال اول که بیش از ۱۵ سال دوام آورده بود و کتاب سرمایه، این توطئه سکوت را شکستند. او دیگر نمیتوانست مورد انکار واقع شود. انترناسیونال توسعه یافت و با دستاورد های پرشکوه خود، جهان را فرا گرفت. پس از قیام ۱۸۷۱ . . . نام مارکس برای جهانیان آشنا شد. او بشابه بزرگترین تئوریسین سوسیالیسم علمی و متشکل کننده اولین جنبش بین المللی طبقه کارگر شناسائی گشت. سرمایه به کتاب راهنمای سوسیالیستهای همه کشورهای مبدل شد. . . . ترجمه از رهبا

مارکس افکارش را فقط بخاطر بجلوانداختن پیروزی طبقه کارگر که وظیفه تاریخیش، محض کسب رهبری اقتصادی و سیاسی جامعه، برقراری کمونیسم است، ترویج میداد. او فعالیتر از محدود به کشوری که در آن متولد شده بود نمیکرد و میگفت: "من شهروند جهانم، در واقع صرف نظر از اینکه وقایع و پیگرد های سیاسی او را به چه کشور می‌راند، فرانسه، بلژیک، آلمان، او نقشی برجسته در جنبشهای انقلابی که در آن کشورها توسعه می‌یافت ایفا می‌کند. . . .

بهر حال کسی که من اولین بار در اطراف مطالعه اش دیدم، نه یک مروج سوسیالیست و بی همتا، بلکه یک عالم بود. . . . کتابها، افزار فکر او بودند و نه وسیله تجمل. او میگفت: "آنها بردگان من هستند و میبایست بدانگونه که من میخواهم در خدمت قرار گیرند". او هاینه و گوته را باتمام وجود فرا گرفته و اغلب در مباحثاتش از آنها نقل قول میکرد. او خواننده پیگیر شعر به همه زبانهای اروپایی بود. همه ساله آشیل را بزبان اصلی آن یعنی یونانی میخواند. . . . احترام او نسبت به شکسپیر نامحدود بود و آثار وی را بطور همه جانبسافی مطالعه مینمود. مارکس میتوانست تمام زبانهای اروپایی را بخوبی و سه زبان آلمانی، فرانسه و انگلیسی را در حد یک متخصص زبان بنویسد. او دوست داشت این گفته را تکرار کند که: "یک زبان خارجی بمنزله اسلحه‌ای برای مبارزه زندگیست". مارکس بغیر از شعر و رمان یک راه دیگر هم برای استراحت فکری داشت و این ریاضیات بود که علاقه خاصی بدان داشت. حتی مخالفین مارکس هم مجبور شدند بدان وسیع و عمیق او اذعان بیاورند و این نه فقط در زمینه تخصصی اش -

نیست و عمل هم نمیکند. و ما میخواهیم یک جریسان فعالتر را بوجود بیاوریم. این شورا بدرد ما نمیخورد و در راه با سرپرستی کارخانه زدوبندی میکند و یکسری امتیازات را بدست آورده که دیگر از منافع ما دفاع نمیکند. حالا مسئله اینست که یک قدرت دومی در مقابل شورا درست کنیم که از منافع ما دفاع کند. یکی از مسائلی که اینجا دنا را حتی کرده البته که اعضای همون شورا نیی که حالا باید منحل بشه رفتن توی کمیته‌ها یا شکر هست متلاکمیته‌ها یا آموزشی و فرهنگی و رهبری و تنها روتو دست خودتون گرفتند. ●

آدرسی ما:
E&A
P.O. BOX
07170A
Detroit, Mich.
48207
USA

از درون کارخانه

بقیه از صفحه اول

یکی دیگه از اشکالات اینست که کارخانه‌ها "هزار فامیل" از اینکارها که شورا ای نتخاک ما با هیئت مدیره دست به یکی کرده و به ساخت و پاخت رسیده. هر کار رد لشون بخواد تو این کار خونه میکنند و ما اصلا هیچ دخالتی نداریم. مثلاً ستخدا مروتود دست خودتون گرفتند. مهندس و هیئت مدیره هرکی رو که دلشون بخواد میبیارن و استخدام میکنند. ما به پیش یک دیپلمه روا ستخدا مگردن که تا وارد شد بهوشا هسی ۳۰۰۰ تومان حقوق دادند و الان که یکماه از شروع کار گذشته حقوقش شده ۳۴۰۰ تومان در حالیکه من چهار سال سابقه دارم، اینهمه مدت اینجا بودم و نوع کارم هم ایندولی هنوز ۳۲۰۰ تومان حقوق میگیرم. این نشان میدهد که مسائل کارخانه زیر کنترل ما نیست. این شورا یکی کارخونه زیاده‌درد نمیخوره. بقیه کارگران هم همینطور فکر میکنند. اینها میگن که این شورا خوب کار نمیکنه و هر کی هم گرفته عضو شورا شده، سعی کرده گلیم خودش رو از آب دریا زه. مثلاً اعضای شورا هر کدوم یکی از آشنا های خودشون رو آوردن سر کار. اما مهلت قانونی واسه نامه ای شورا تمام شده. ما میخواهیم شورا را منحل کنیم و بجایش ایجاد یک انجمن اسلامی را مطرح کنیم. اونوقت شاید کارگرها از ما حمایت کردند. در این صورت ما انجمن اسلامی را درست میکنیم و باهاش کار میکنیم بعدا ونوبجای شورا یا درکت شورا رسمیت میدیم. انکار ما به شورا اینست که اسلامی

جهان در مبارزه



گرد آورندگان؛ فرهاد جوان - فرامرز

لهستان: مرحله جدیدی از مبارزه علیه سرمایه داری دولتی

بیش از سه میلیون ونویسم دهقان لهستان، بعد از شش ماه مبارزه با بوروکراسی دولتی و بعد از اینکه بطور غیررسمی اتحادیه دهقان خود را بوجود آورده بودند، در اول ماه آوریل موفق به گرفتن اجازت رسمی از دولت برای ادامه فعالیت خود شدند.

لهستان در عرض سال گذشته صحنه آفرینش جدیدترین انواع آزادی بوده است. اتحادیه خود مختار رگاری سولیدارنش (همبستگی) که در پی اعتصاب عمومی ماه آگوست بوجود آمد، اولین قدم در راه بوجود آوردن سازمانهای مستقل کارگران برای بدست آوردن کنترل تولید بود. این اعتصاب که با اشغال بندها و همچنین درگاه نسک بهر با لاترین سطح خود رسیده حاصل چهار سال مبارزه و

همکاری بین نیروهای مختلف و اتحاد عمل بین روشنفکران، کارگران، محصلین، دهقانان و زنان بوده است.

(در شماره های آینده شرح کاملی از وقایع اخیر لهستان و سابقه تاریخی جنبش در انقلاب و آزادی چاپ خواهد شد.)

دولت لهستان در عرض چند ماه گذشته سعی کرده با شغاف و دهقانان نهمبستگی آنها را که با بدامانی موقیست کارگران در وجود آوردن کمیته های کارگری خود مختار بوده متزلزل کند.

در ماه مارس، عواملدولت در حالی که فکر میکردند موفق به جدا کردن دهقانان از اتحادیه کارگران و دهقانان شده اند، به یک تحصن دهقانی در ساختمانی در شهر آویژین حمله "بیدگش"

کرده و ۲۷ نفر را شلیک کرد و مضروب میخا بند، کارگری و اعضا اتحادیه (سولیدارنش) که حدود ۱۲۵ میلیون نفر میباشند دست به یک اعتصاب عمومی برای مدت ۴۰ ساعت میزنند و به دولت اخطار میکنند که در صورت تکیه عمالین این جریا نسبت به شونده، و دولت به دهقانان اجازه ندهد که اتحادیه خود را به ثبت برسانند دست به یک اعتصاب عمومی تا محدود خواهند کرد. دولت لهستان در مقابل این اتحاد عمل ناچار شد که عقب نشینی کرده و اتحادیه دهقانان را به رسمیت شناسد کارگران لهستان در طول ۳۰ سال گذشته چندین بار مخالفت خود را با سیستم تولیدی "سرمایه داری دولتی" نشان داده اند تا در ۱۹۵۶، ۱۹۷۰، ۱۹۷۶، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۰ در حال این مبارزه بسیار

به سازشکاریها دولت عملا نشان داده که حامی خواهانها و ناانگیزانها نیست. وقتی یکی که در عرض یک ماه گذشته در لهستان در راه با مذاکرات دولت و اتحادیه "سولیدارنش" اتفاق افتاده، روند تفاهت مند جدیدی را نشان میدهد. در چندین شعبه "سولیدارنش" اعضا با اصطلاح "چپ رو" که مرتباً سعی در عمیق تر کردن جنبش داشته اند عملاً زپروسسه تصمیم گیری کناره زده شده اند و حزب کمونیست با اعلامیه های مکرر خود از این عمل استقبال کرده اند ولسی جنبش بخاطر نوع جدیدی سازماندهی خود که عمدتاً غیر متمرکز و بخاطر خود مختاری، کمیته های آن را نشان داده است که با شیوه سلسله مراتبی "تولید سرمایه داری" دارد، مطمئناً در آینده نزدیک بر خود راهی دیگری با حزب خاکم پیدا خواهد کرد.

السالوادور

امروز که در سراسر جهان و مخصوصاً آمریکا جنبش وسیعی علیه دخالت امپریالیسم آمریکا در السالوادور وجود آمده است و دولت آمریکا نیز هر چه بیشتر خود را برای یک حمله مستقیم نظامی در السالوادور آماده میکند همبستگی با مردم السالوادور بیشتر پیدا کرده است.

امریکا و لاتین بویسیزده سال است که تحت سلطه امپریالیسم آمریکا قرار دارد. در این کشورها دولت تقریباً همگی از حمایت دولت آمریکا برخوردارند، حکومت میکنند. مردم این کشورها هیچگاه در دست مبارزه علیه اینگونه دولتها کشیده و همواره سلطه آنان را به بخاطر آنها خفته اند. السالوادور نمونه بارز چنین مبارزه ایست. در این کشور، از پس قتل عام سیه هزار دهقان سال ۱۹۳۱، حکومت نظامی برقرار بوده است. بیشتر جمعیت السالوادور را کارگران کشاورزی و دهقانان که از زرد آرد و مسیایر کمی برخوردارند تشکیل میدهند. دهقانان با تشکیل سازمانهای خود سرستانه علیه دولت نظامی السالوادور میجنگند. شوراها و دهقانان نیز جنبه دیگر مبارزات تیز زدن ارتبانتند. بقول یکی از اعضا اتحادیه کارگری در السالوادور "بین توده های دهقانی و نیروهای مسلح انقلابی که علیه رژیم مبارزه میکنند یک رابطه دو جانبه و مستحکم وجود دارد" امروز مردم زحمتکش السالوادور از راه و زمین مورد حمله و حشانه رژیم هوستا قرار

جنبش دهقانی در گواتمالا

در آونوبه ۱۹۸۰ دهقانان شهرکیش با تخمین در سفارت اسپانیا خواستار نشان دادن واقعیتها و رفع گواهی تمام میچیان شدند. ارتش با حمله به سفارت و سوزانیدن ۳۹ دهقان و گروگان اسپانیایی با ردیگر بر جناحیات خود صدها کشته داد. بدنیال این واقعه، ۵ هزار نفر سراز دهقانان برای مدت ۱۷ روز دست به اعتصاب زده و مبارزه و آسیاینها یکنواست به تصرف خود در میآوردند.

این مبارزات رژیم لوگاس گارسا را عمیقاً بوحشت انداخته، بطوریکه هر تشکل دهقانی را بطوریکه دولت نظامی بعنوان نوظیفه تلقی میشود.

با اینکه دولت و تروریستها دست راستی تاکنون بیش و برتر نشانها را نشان داده اند، امروز تعداد دکتوریای دهقانان سرخپوست به نیروهای "ارتش چریکی ففرا" و کمیته سازماندهی دهقانان، میپیوندند و گسترش جنبش، قطعاً نهادها را در بر میگیرد.

میتوانند به سرنگونی رژیم دیکتاتوری ففرا متعهد نگردد و در انکشاف آزادی برای زحمتکشان السالوادور به همراه داشته و انقلاب را در سرتاسر راه آمریکا شعلور کند؟

مردم بران بنا به تجارب گذشته خویش و بخاطر اهداف مشترکی که با زحمتکشان السالوادور دارند هرگونه دخالت نظامی آمریکا در این کشور را مستحکوم نموده است با اعلام همبستگی خود با این مبارزات خواستار تسلاوم انقلاب تا آفرینش یک جامعه نوین هستند.

ایرلند...

بصورت تنه کاران چلوه و ده و همچنین سعی در تصفای طبقه تریا بصورت مختلف بین دولت و ارتش جمهوری خواه ایرلند (IRA) و با بصورت اختلاف بین کار تولیدیها و پروتستانها نشان دهد. اکثر کاتولیکها هر روزها هد تعظیمی تسی هستند که فقط دولت انگلستان بلکه سیستم سرمایه داری خاکم بین آنها و پروتستانها را نشان میدهد. نسبت کارگران بیکار در کاتولیک تقریباً دوبرابر کارگران بیکار پروتستان است. شرایط زندگی کاتولیکها همچنین به مراتب سخت تر از پروتستانهاست. جوانان کاتولیک هر روزها در حضور بسیاری از سربازان انگلیسی در خیابانها هستند، و لذا از کودکی تنفر خاصی به سیستمی که والدین آنها را مرتباً تحت فشار قرار میدهد پیدا میکنند. این یکی از دلایل است که جوانان همیشه به کارمونها ارتش حمله ور شده و به آنها سنگ پرتاب میکنند.

اکثر انقلابیون ایرلند شامل اقلیت چند صد ساله ایرلندیها با امیر-دولت است. استقلال کامل خود را در ایرلند سوسیالیستی میببینند. شایسته نقطه عطف جنبش مردم ایرلند را در عاقدی بران است دولین مک الیشکی دید.

او که اخیراً به خاطر تبلیغاتی از زندان نیا کشته شده است اعتصاب غذا زده بودند مورد حمله گروهی چریکی دست را ستنی پروتستانها گرفتند. یکی از انقلابیون است که مبارزات مبارزه بسراسر آزادی ایرلند را از مبارزات سایر انقلابیها متمایز کرده است. جدا نگردیده است.

جدا نگردیده است.